

## پیدایش، تکامل فیزیکی و وضعیت اجتماعی - اقتصادی حاشیه نشینی (مطالعه موردی: محله عین ۲ اهواز)

دکتر مهدی قرخلو<sup>۱\*</sup> - دانشیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران  
عبدالنبی شریفی - دانشجوی دوره دکتری جغرافیا (برنامه ریزی شهری)، دانشگاه تهران  
پذیرش مقاله: ۸۲/۱۰/۲

### چکیده

در مطالعه حاضر، ابتدا بررسی تطبیقی از سیاست‌های فراملی و ملی، فرایند توسعه فضایی محله حاشیه‌نشین عین ۲ اهواز انجام و سپس الگوی توسعه فیزیکی منطقه در دوره زمانی ۷۵-۱۳۳۵ و همچنین وضع موجود کاربری اراضی این محله بررسی گردید.

نتایج حاصله نشان می‌دهد که اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر رشد اقتصادی دهه‌های ۶۰ - ۱۹۵۰ در ایران و به تبع آن جنگ تحمیلی، اثرات مستقیم و تأثیرگذاری بر روند پیدایش و توسعه حاشیه‌نشین در اهواز نهاده است. از سوی دیگر، اثرات شکل‌گیری هسته (هسته‌های) اولیه بر الگوی گسترش بعدی مشخص گردید. در بررسی نحوه استفاده از اراضی نیز کلیه کاربری‌ها کمبود محسوسی را نسبت به شاخص‌های استاندارد نشان داده‌اند.  
واژگان کلیدی: حاشیه نشینی، توسعه فضایی، نظریه قطب رشد، کاربری اراضی، مهاجرت.

### مقدمه

در مطالعه کلان (ماکرو) از شهرنشینی در جهان سوّم لازم است که تحلیل عمیق سیستم‌های شهری با توجه به سیستم سلسله مراتبی و وابستگی‌های بین‌المللی صورت گیرد (شکویی ۱۳۷۳). در این صورت شهر و پدیده‌های حاصل از آن (از جمله حاشیه‌نشین) را باید به‌عنوان فرم‌های فضایی ناشی از فرایندهای بین‌المللی و ملی مورد مطالعه قرار داد.  
در مطالعه خرد (میکرو)، بررسی جغرافیایی از مرفولوژی و شکل دوره‌های توسعه، کاربری‌های اراضی و .... از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این مطالعه لازم است روند شکل‌گیری و الگوهای مختلف توسعه فیزیکی بررسی گردد.  
با الهام از این دو نگرش علمی، ابتدا نحوه پیدایش توسعه فیزیکی و رشد جمعیتی بخش حاشیه‌ای عین ۲ اهواز در دوره زمانی اجرایی سیاست‌های قطب رشد به‌منظور درک اثرات وابستگی به نظام اقتصاد جهانی ارزیابی می‌گردد و سپس چگونگی گسترش مرفولوژی آن مطالعه می‌شود. همچنین نحوه استفاده از اراضی و کاربری‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد.

---

\*- Email: mehdegh@yahoo.com

### نظریات پیدایش حاشیه نشینی

مهم ترین نظریه مربوط به پیدایش مناطق حاشیه نشین، نظریه نحوه استفاده از اراضی شهری است. در این نظریه شکل و نظام فضایی خاصی که شهر به خود می گیرد، نتیجه رقابت گروه های مختلف شهری در جهت احراز موقعیت شهر به شکل رقابتی است. در این صورت، بازندگان این رقابت در بازی با طبقه ثروتمند، نواحی پست ارزان قیمت را جهت سکونت انتخاب می کنند و در نتیجه به ظهور پدیده های نظیر زاغه نشینی، حاشیه نشینی، حلبی آباد و ... دامن می زنند (هاروی ۱۹۷۳).

نظریه مرکز - پیرامون به خوبی فرایند شکل گیری مناطق حاشیه ای را در نتیجه بهره کشی ناعادلانه هسته شهری نشان می دهد و در این نظریه هسته مرکزی شهر به دلیل عامل سلطه بر پیرامونش که خود از انباشت سرمایه در درون و عدم سرمایه گذاری در بیرون حاصل می گردد، دائماً خود را تقویت نموده و ناحیه بیرونی خود را از توسعه فیزیکی و انسانی باز می دارد (فریدمن ۱۹۷۶). شهرهای صنعتی نمود بارز شکل گیری فضایی چنین نظامی است.

برخی از محققان علت عمده پیدایش مناطق حاشیه نشین را مهاجرت افرادی دانسته که به علت وضعیت نامناسب اقتصادی در پی یافتن فرصت های شغلی و درآمد بیشتر می باشند و از اینرو تحقیق در علل مهاجرت را سرلوحه کار خود قرار داده اند. برای مثال، دیچارد بیلزبرو (۱۹۹۶) عوامل سیاسی، اقتصادی - اجتماعی، و فرهنگی و روان شناختی را در مهاجرت مؤثر می داند. لی و بوگ (۱۹۶۰ و ۱۹۸۱) بر نقش عوامل جاذبه<sup>۱</sup> و دافعه<sup>۲</sup> تأکید می کنند و جی هولزر (۱۹۸۱) و همکاران معتقدند که مهاجرت های داخلی به میزان قابل توجهی از فرایند برنامه ریزی های توسعه اقتصادی و اجتماعی تأثیر می پذیرد.

### نظریه قطب رشد<sup>۳</sup>

نظریه قطب رشد از جمله نظریات مبتنی بر رشد اقتصادی است که ریشه در اقتصاد نئو کلاسیک دهه ۱۹۵۰ دارند (صرافی ۱۳۷۹). بر پایه این نظریه، توسعه به طور یکسان و از نقاط مختلف آغاز نمی شود بلکه یک نقطه شروع دارد. در واقع این نقطه اولیه با شروع توسعه و رشد به موتوری محرکه جهت انگیزش نواحی مجاور تبدیل خواهد شد. این نظریه که ابتدا توسط فرانسوا پرو اقتصاددان فرانسوی مطرح گردید، مورد توجه سایر اندیشمندان در شاخه های دیگر قرار گرفت. در بعد جغرافیایی، این نظریه از حالت تئوری مصرف خارج گشته و شکل و بعد فضایی به خود گرفت. اندیشمند دیگر، بودویل قطب های رشد را مراکز صنعتی دانست که با رسیدن به مرحله توسعه و رشد کامل، مازاد اقتصادی را به نواحی پیرامون خود منتقل کرده و باعث توسعه آنها می شود. این نظریه از سوی سیاستگذاران کشورهای جهان سوم با استقبال جدی مواجه گردید، گویی که نسخه بیماری اقتصادی

---

1- Pull  
2- Push  
3- Growth Pole

خود را یافته بودند. نتیجه اجرای این سیاست، پیدایش شهرهای صنعتی به امید تحقق وعده‌های نظریه قطب رشد بود. در عمل نه تنها چنین اهدافی تحقق نیافت؛ بلکه این شهرهای نوظهور صنعتی خود به مانعی در جهت توسعه تبدیل گشت؛ تا آنجا که حتی نزدیک‌ترین پیرامون خود را نیز به توسعه نرساند. چنان که ظهور و توسعه حاشیه‌نشینی در شکل زشت و ناموزون از نتایج آن بشمار می‌رود.

#### نظریات مربوط به کاربری اراضی

شکل‌گیری نظام کاربری اراضی در هر جامعه شهری و نحوه تقسیم اراضی و استفاده از آن در فعالیت‌ها و خدمات مختلف، بازتاب و برآیند عملکرد متقابل مجموعه‌ای از عوامل و نیروهای مختلف محیطی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و غیره است. این نظام امروزه به یکی از عرصه‌های مهم ثروت‌اندوزی و تشدید نابرابری‌های اجتماعی در شهرها بدل شده و به نوبه خود به مشکلات برنامه‌ریزی شهری افزوده است (مهدی‌زاده، ۱۳۷۹).

در دیدگاه کارکرد گرایانه به کاربری اراضی، پیدایش و رواج وسیع مفهوم (سرانه‌های کاربری زمین) به گونه‌ای است که تمام جامعه شهری به افراد تقسیم می‌شوند که هر کدام دارای فعالیت مشخص بوده، به طوری که هر یک از این فعالیت‌ها به یک مقدار معین زمین نیاز خواهد داشت (مهدی‌زاده ۱۳۷۹).

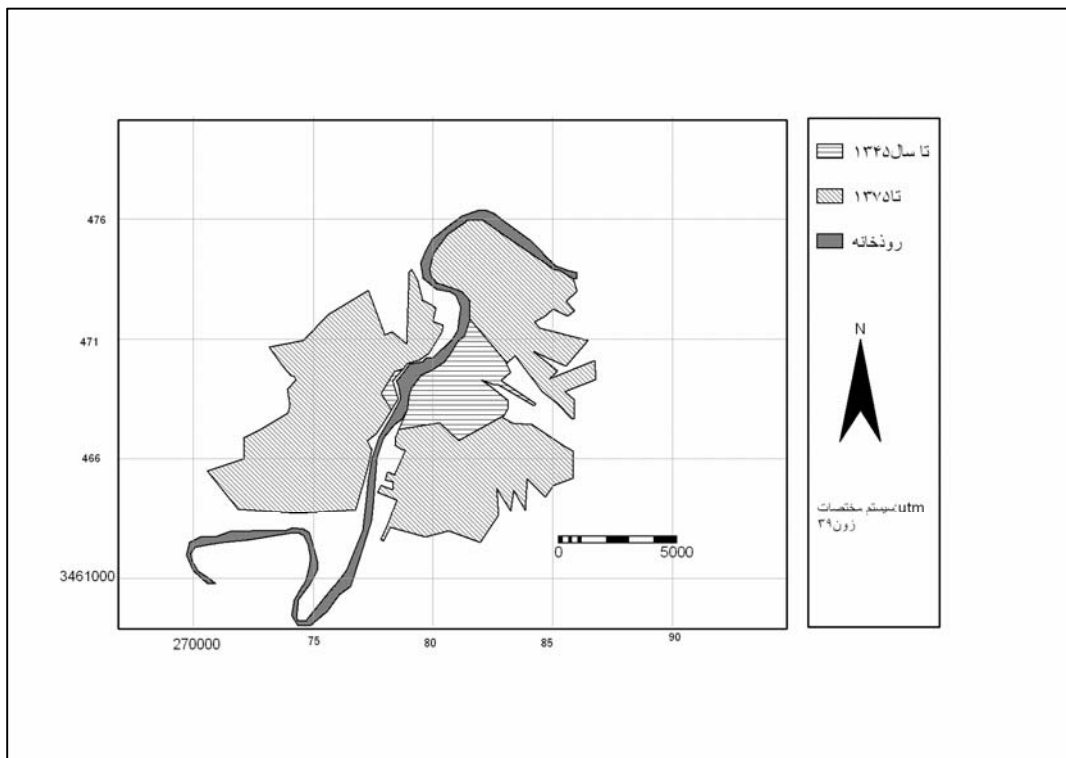
در نظریه فرهنگ‌گرایی، منطقه‌بندی در شهر مفهوم ندارد و شهر از طریق سازمان‌های اجتماعی و فرهنگی زنده می‌شود (زیاری ۱۳۷۸).

به طور کلی در جهان امروز حفظ سلامتی و وجود شهر با اجتماعی سالم در تبیین کاربری‌های شهری نهفته است (سعیدنیا ۱۳۷۸).

#### حاشیه‌نشینی در شهر اهواز

شهر اهواز تا قبل از دهه ۱۳۴۰ مجموعه نیمه ارگانیکی با یک هسته مرکزی در قسمت شرقی رودخانه کارون (به‌عنوان ستون فقرات) و تعدادی تأسیسات نظامی و ایستگاه راه آهن و مساکن وابسته به آن بود. در واقع بخش اصلی شهر هنوز پوسته تاریخی خود را باز نکرده بود و در حصار قدیمی خود به حیات خویش ادامه می‌داد (شریفی ۱۳۸۰). به‌علاوه تا آن زمان اهواز در شبکه شهری استان به‌عنوان یک شهر همکار با سایر شهرها عمل می‌کرد. اما پس از انتخاب این شهر به عنوان یک شهر صنعتی توأم با مرکزیت اداری سیاسی و متعاقب آن وقوع جنگ تحمیلی که موجب تخریب شهرهای ممتاز دیگر گردید، به یک شهر بی‌رقیب تبدیل شد. بنابراین انسجام شهری از هم گسیخته شد و شهر به صورت ناهمگون و غیر منطقی رشد و گسترش پیدا کرد. در طی سه دهه ۱۳۴۵-۷۵ جمعیت این شهر از ۱۲۰۰۹۸ نفر به بیش از ۸۰۰ هزار نفر رسید و مسافت آن نیز از ۲۵۰۰ هکتار به ۲۰۶۱۵ هکتار افزایش یافت (نقشه شماره ۱).

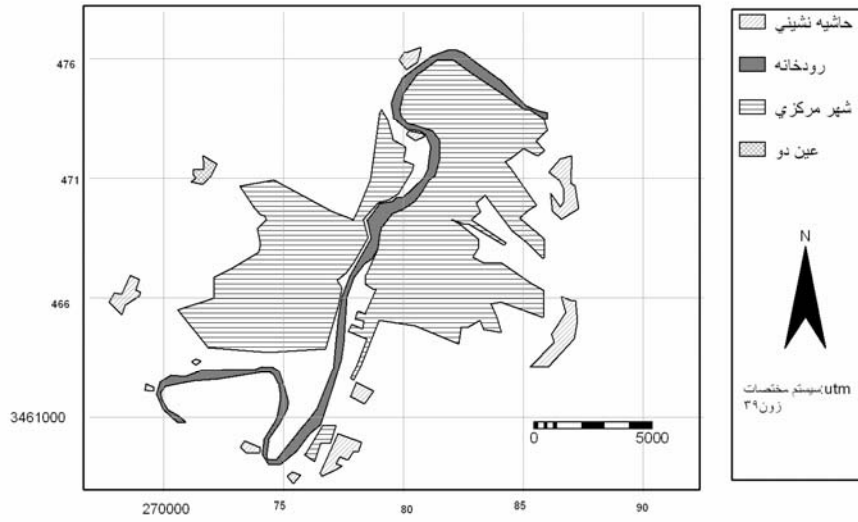
نقشه ۱- توسعه ادواری اهواز



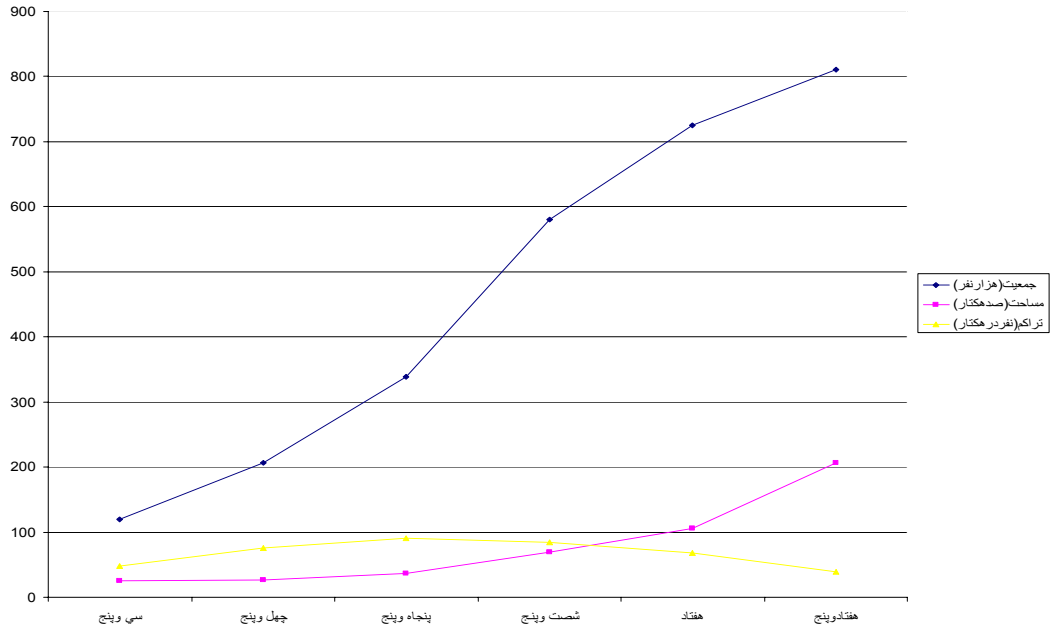
مهاجرت توده عظیمی از مهاجران جنگک تحمیلی علاوه بر مهاجران قدیمی جویای کار از یک سو، و عدم نظارت بر توسعه فیزیکی از سوی دیگر باعث توسعه ناموزون آن و شکل گیری مناطق حاشیه‌ای وزاغه نشین در سراسر شهر گردید؛ به طوری که هم اکنون در تمام قسمت‌های شهر و به ویژه در بخش غربی آن، حاشیه‌نشینی به شکل چشمگیر ملاحظه می‌گردد (نقشه شماره ۲).

این مناطق حاشیه‌نشین که در آن سوی مرزهای اداری شهر واقع شده‌اند و حوزه توسعه را شکل داده‌اند از کمترین امکانات زیستی برخوردار هستند و هیچ تلاش یا دلسوزی برای ارتقاء وضعیت اجتماعی - کالبدی آنها صورت نمی‌پذیرد. نمودار شماره (۱) تحولات جمعیت، مساحت، و تراکم را در دوره‌های سرشماری ۷۵-۱۳۳۵ را نشان می‌دهد.

نقشه ۲- اهواز و حاشیه نشینی



نمودار ۱- تغییرات جمعیت، مساحت و تراکم اهواز ۴۵-۱۳۳۵



#### محدوده مورد مطالعه

محلّه عین ۲ در جنوب‌غربی حدّ توسعه اهواز، بزرگترین محلّه حاشیه‌نشین اهواز بشمار می‌رود و نام آن از کلمه عین به معنای چشمه آب گرفته شده است. در واقع عین ۲ در اطراف چند چشمه آب شیرین که آب شرب ساکنان اوّلیه را فراهم می‌نمود، شکل گرفت.

با آن که قدمت سکونت در محلّه به ۱۴۰ سال می‌رسد، ولی با این حال تا دهه ۱۳۴۰ تعداد سکنه آن از چند خانوار که مالک اصلی زمین بودند، تجاوز نمی‌کرد. بعد از گذشت چند دهه، جمعیت آن به ۱۳۴۰۰ نفر در سال ۱۳۷۵ رسید و آخرین سرشماری که توسط مرکز بهداشت محلّه انجام گرفت، جمعیت آن را بالغ بر ۲۵/۰۰۰ نفر ذکر کرد. ساکنان آن عرب زبان بوده و اغلب مهاجرانی از مناطق دشت آزادگان می‌باشند.

#### روش تحقیق

در مطالعه حاضر علاوه بر بهره‌گیری از آمار و اطلاعات کتابخانه‌های موجود، جهت بازسازی نقشه اوّلیه محلّه عین ۲ از پیمایش میدانی، مصاحبه با سکنه قدیمی و مشاهده نوع مصالح بکار رفته در بناها استفاده گردید. همچنین برداشت مستقیم و دستی از کاربری‌های موجود از سراسر منطقه صورت پذیرفت.

#### دیدگاه‌های تحقیق

در راستای انجام این تحقیق از دو دیدگاه برجسته جغرافیایی یعنی دیدگاه سیستمی و دیدگاه مرفولوژی شهری استفاده گردید. علاوه بر آن، مطالعه فرم از طریق فرایند که از وظائف اصلی جغرافیدانان است، مورد ملاحظه قرار گرفت.

#### فرضیات تحقیق

- ۱- در پیدایش نقاط حاشیه‌نشین (از جمله منطقه مورد مطالعه)، سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی فرایندهای تأثیر گذار هستند؛
- ۲- بنظر می‌رسد که ساخت‌یابی و شکل مرفولوژیک کنونی منطقه از هسته (هسته‌های) اوّلیه تأثیر پذیرفته است؛
- ۳- بررسی نحوه کاربری اراضی می‌تواند شاخص خوبی برای سنجش میزان توسعه یافتگی باشد.

### ارزیابی نقش سیاست‌های بین‌المللی در پیدایش و توسعه حاشیه‌نشینی

فراشهرنشینی که در کشورهای جنوب باعث ایجاد مادر شهرهای ۸، ۱۵ و ۲۶ میلیون نفری می‌شود، نشان‌دهنده عمق بیماری ساخت‌های اجتماعی-اقتصادی آنهاست. این روند که حاصل تسلط استعمار نو، ساخت‌های ناهمگون داخلی و در نهایت، تبعیت کورکورانه از اقتصاد روستوی است، کلیت نظام اجتماعی-اقتصادی کشورهای جنوب را در معرض خطر قرار داده است (شکویی ۱۳۷۳).

در دهه ۱۹۵۰ نظریه پردازان (عمدتاً اقتصاد غربی)، جهت حل مشکل عقب ماندگی کشورهای جهان سوم نسخه‌هایی به نام صنعتی شدن پیچیدند. در این دهه نظریه مسلط و جهانی، تئوری قطب رشد بود. در این تئوری، ایجاد مراکز صنعتی به عنوان نقاط راهبردی در امر توسعه اساس کار و موتور توسعه تلقی گردید تا ضرایب فزاینده آن بتواند نواحی مجاور را بهره‌مند سازد. بزودی این تئوری در اغلب کشورهای جهان سوم بکار گرفته شد تا این کشورها خود را در مرحله "در حال توسعه" قرار دهند.

در کشور ایران از دهه ۱۳۴۰ شمسی این دیدگاه به طور جدی دنبال شد و قطب‌های صنعتی چندی نظیر تهران، تبریز، اصفهان، اهواز و ... بوجود آمد.

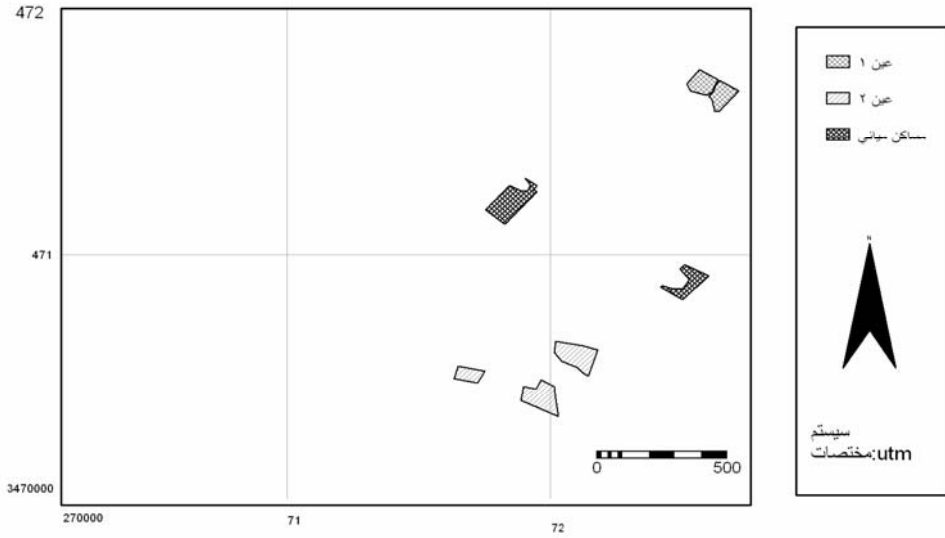
شهر اهواز به موازات صنعتی شدن در طی چند سال، توسعه فیزیکی قابل توجهی یافت. به موازات این توسعه که در اطراف آن بوقوع پیوست، نقاط مسکونی شکل گرفت که غالب سکنه آن را مهاجران جستجوی کار و غالباً فقیر تشکیل می‌داد که عین ۲ یکی از همین مناطق است.

بررسی تحوّل جمعیتی و کالبدی این منطقه از سال ۱۳۴۵ وجود هماهنگی و همسوئی باروند صنعتی شدن اهواز را نشان می‌دهد.

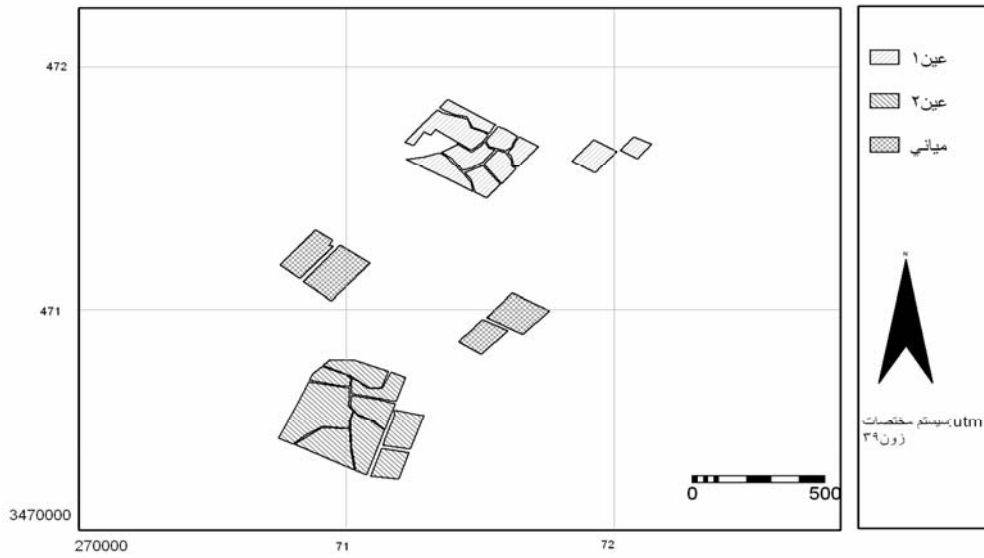
محلّه عین ۲ تا سال ۱۳۴۵ روستایی کشاورزی بوده که چند خانوار مالک اراضی آن بودند و به صورت پراکنده هر کدام در زمین متعلق به خود سکنی گزیده بودند. جمعیت آن کمتر از ۱۰۰ نفر بود و مساحت بنا شده در آن به کمتر از یک هکتار می‌رسید (نقشه شماره ۳).

بعد از گذشت یک دهه، جمعیت این منطقه و بالطبع مساحت آن، توسعه فزاینده‌ای یافت؛ به طوری که تجمعات انسانی که هسته‌های اولیه سکونتگاه را نیز تشکیل می‌دهند، شکل گرفتند. در این سال (۱۳۵۵) جمعیت آن به ۱۵۰۰ نفر بالغ گردید و مساحت ساخته شده در آن به حدود ۲۵ هکتار رسید (نقشه شماره ۴).

نقشه ۳- محدوده فضایی سال ۱۳۳۵ عین ۲



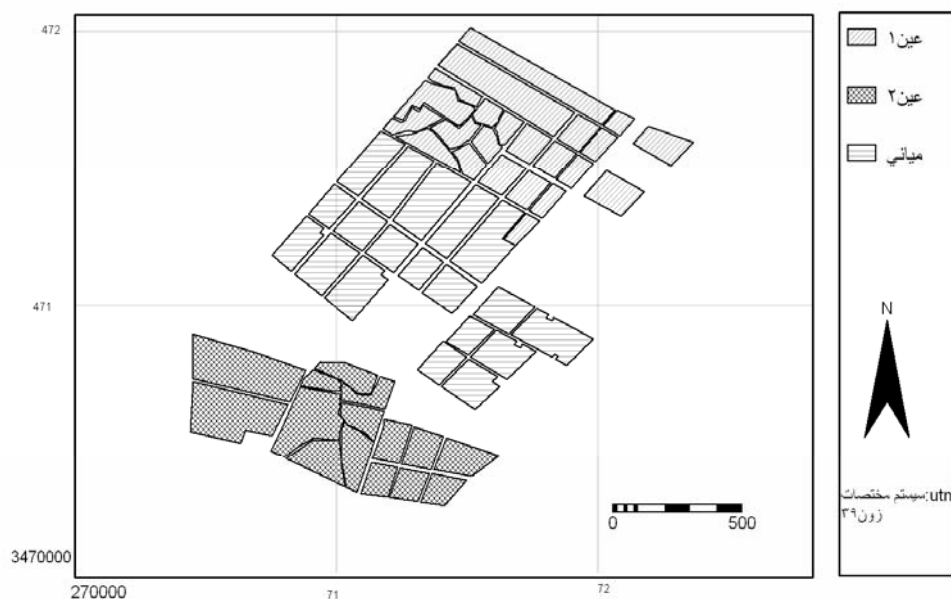
نقشه ۴- محدوده فضایی سال ۱۳۵۵ عین ۲



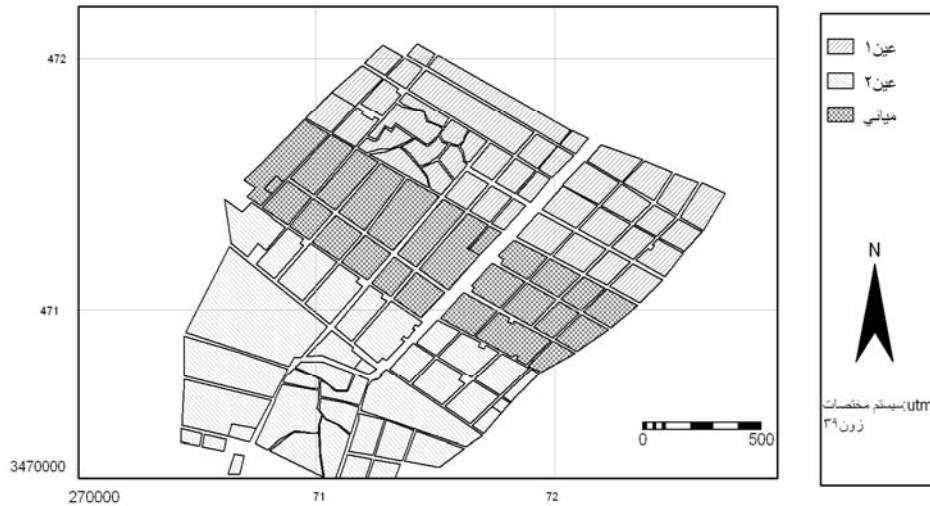


بین دو دهه ۵۰ تا ۶۰ فرایند سیاسی بین المللی دیگری موجب تشدید این روند گردید. استکبار جهانی و در صدر آن امریکا که پیدایش نظام جمهوری اسلامی در ایران را خطری برای گسترش اندیشه های استعماری خود می دانست، عراق را برضد ایران تحریک کرد و جنگی ناخواسته را بر کشورمان تحمیل نمود. شهرهای جنوبی، خرمشهر و آبادان ویران گشت و جمعیت آن به سوی شهرهای دیگر و عمدتاً اهواز روانه شد. چون این مهاجران تمام دارائی ها و ثروتشان را از دست داده بودند، به ناچار اغلب در همین مراکز حاشیه نشین سکنی گزیدند. بنابراین جنگ به عنوان فرایندی فراملی با فرایند صنعتی شدن ترکیب گردید و شدت مهاجرت به نواحی حاشیه نشین را مضاعف نمود؛ به طوری که در سال ۱۳۶۵ جمعیت عین ۲ به ۷۰۰۰ نفر رسید و مهم تر از آن، ساخت و سازهای وسیع و گسترده ای شکل گرفت که پیکربندی اصلی این منطقه را صورت بخشید. نقشه شماره (۵) محدوده فضایی محله عین ۲ را نشان می دهد. مساحت این منطقه در سال ۱۳۶۵ به ۱۰۰ هکتار رسید. این روند همچنان ادامه داشته و عین ۲ را تبدیل به بزرگترین روستای حاشیه نشین اهواز کرده است. نقشه شماره (۶) وضعیت کنونی منطقه را نشان می دهد. به طور کلی تأثیر سیاست های فراملی در توسعه محلی این منطقه را می توان به صورت نمودار نشان داد.

نقشه ۵- محدوده فضایی سال ۱۳۶۵ عین ۲

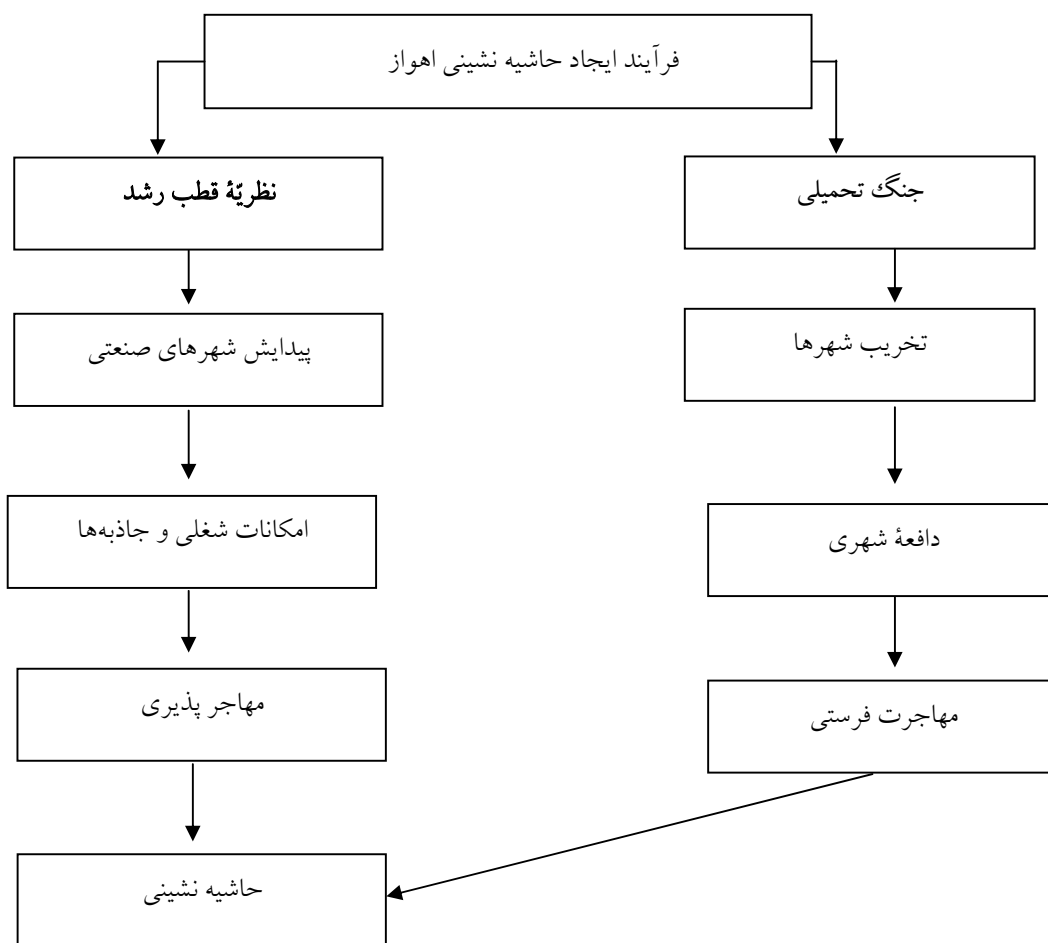


## نقشه ۶- محدوده وضع موجود عین ۲



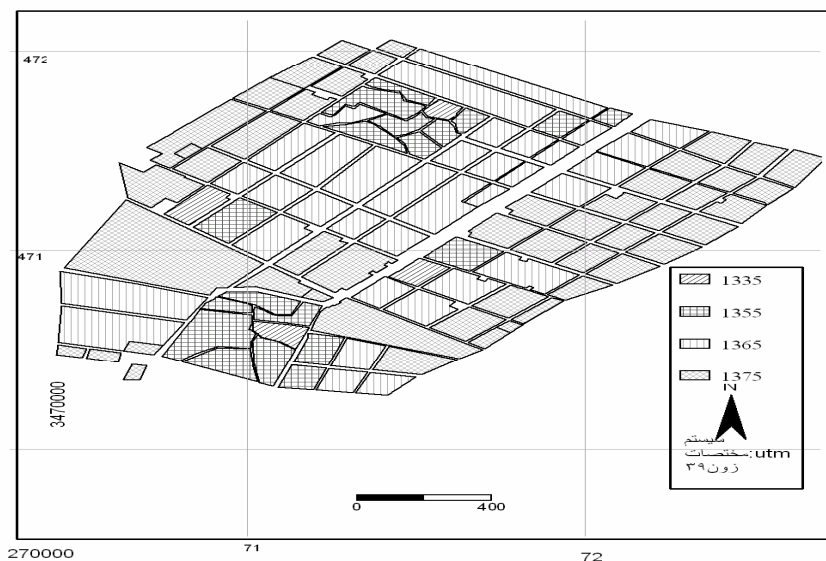
### توسعه ادواری محله عین ۲

توسعه ادواری محله عین ۲ در روی نقشه شماره (۷) نمایش داده شده است. بازسازی نخستین مراحل به دلیل نبود هر گونه منبع یا نقشه قدیمی، از طریق مصاحبه با قدیمی ترین سکنه که مالکان اصلی و زمینداران منطقه بودند، صورت گرفت. همان گونه که ملاحظه می شود، تا سال ۱۳۳۵ خانوارهای پراکنده ای در عین ۲ زندگی می کردند که هر یک در ملک متعلق به خود ساکن بودند. با گذشت دو دهه، خانه های پراکنده در منطقه به مجتمع های کوچک سکونتی تبدیل شد. در این دوره (۱۳۳۵-۵۵) تعدادی مهاجر جویای کار که از نواحی مرزی دشت آزادگان به سوی شهر صنعتی تازه شکوفا شده اهواز روانه شده و اکثراً به استخدام کارخانجات صنعتی درآمده بودند، این مکان را به دو دلیل عمده نزدیکی به محل کار و امنیت و نیز ارزانی انتخاب نمودند. این تازه واردان که از دو طایفه سواری و آل شرفه بودند، هر کدام در مکانی خاص و دور از هم سکنی گزیدند.



به این ترتیب جدائی گزینی اکولوژیکی به شکل هسته‌های مجزا شکل گرفت که در واقع نوعی توسعه خوشه‌ای بود که از ویژگی‌های تنوع قومی است (شکویی ۱۳۷۳). در فاصله بین سال‌های ۶۵-۱۳۵۵ وقوع جنگ تحمیلی به عنوان عامل تشدید کننده، به ناگاه جمعیت منطقه و در نتیجه فضای کالبدی آنرا گسترش شدیدی بخشید. در آغاز، توسعه باز در اطراف همان هسته‌های قدیمی در حال شکل‌گیری بود؛ اما به تدریج و با امتزاج قومی و از بین رفتن جدائی‌های اکولوژیکی، توسعه حالت هندسی به خود گرفت. با این وجود بخش‌های جدید از هسته‌های اولیه تأثیر پذیرفتند؛ به طوری که خیابان‌های شطرنجی و عریض در امتداد کوچه‌های باریک اولیه تشکیل شدند. در ادامه جنگ، جاده اصلی منطقه توسط جهاد سازندگی احداث شد. این جاده که به منظور اتصال دو سوی منطقه به هم بود، خود از نحوه قرارگیری هسته‌های اولیه متأثر شد؛ به طوری که با خمیدگی و انحناء مواجه گردید. همین خمیدگی باعث شد که پیکر کلی منطقه که به صورت منطقی از حاشیه جاده امتداد می‌یافت، شکل و ریخت خاصی به خود بگیرد.

## نقشه ۸- توسعه ادواری سال ۱۳۶۵ عین ۲



### وضع موجود کاربری زمین در محله عین ۲ (شاخصی برای سنجش توسعه اجتماعی-اقتصادی)

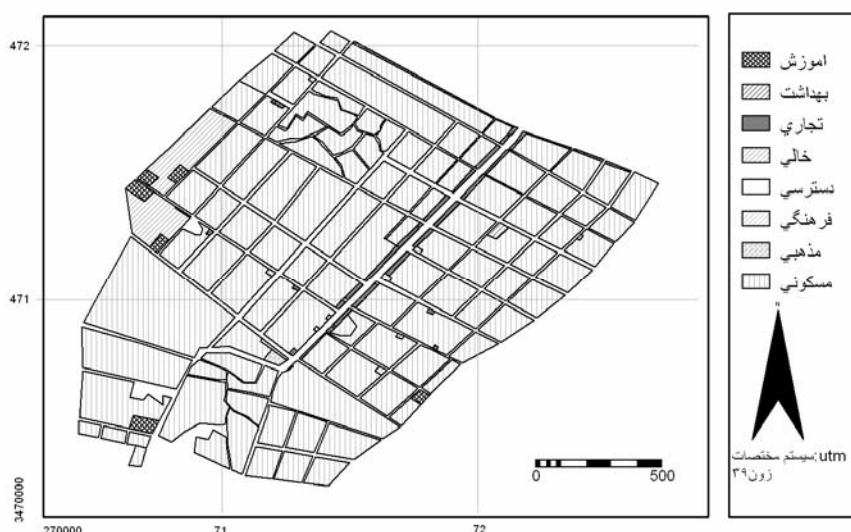
مقایسه میان سرانه کاربری‌های حاصله با شاخص‌های استاندارد تعیین شده در طرح‌های شهری می‌تواند به‌عنوان شاخصی جهت سنجش درجه توسعه یافتگی محله بکار رود. در این راستا و به‌دلیل فقدان نقشه کاربری از محله عین ۲، برداشت مستقیم و دستی از منطقه انجام شد و در سراسر منطقه تعمیر یافت. نتایج حاصله در قالب نقشه شماره (۸) به تصویر کشیده شده است. برای سنجش مطلوبیت یا عدم مطلوبیت هر یک از کاربری‌ها، از تعدادی شاخص استاندارد برگرفته از طرح‌های شهری استفاده گردید (زیاری ۱۳۸۱). همچنین این سرانه با سرانه‌های شهر اهواز نیز مقایسه شد:

سرانه کاربری آموزشی  $1/2$  متر مربع برای هر نفر بود. در حالی که این مقدار برای شهر اهواز  $5/14$  و از شاخص استاندارد که حداقل  $20$  متر مربع برای هر نفر است، بسیار کمتر می‌باشد. این تفاوت فاحش نشان‌دهنده کمبود شدید مراکز آموزشی است. در محله عین ۲، مدرسه راهنمایی و دبیرستان پسرانه وجود ندارد. مدارس دخترانه نیز تکافوی تمامی دانش‌آموزان را نمی‌دهد؛ خاصه آن که رشته‌های خاص را نیز شامل نمی‌شود.

کاربری بهداشتی سرانه‌های معادل  $0/13$  را نشان می‌دهد که در مقایسه با شاخص استاندارد ( $2$  تا  $2/5$  متر مربع) و نیز

سرانه شهر اهواز (۱/۲۰ متر مربع) کمبود قابل ملاحظه‌ای دارد. در کل منطقه تنها یک مرکز بهداشت وجود دارد.

### نقشه ۹- کاربری وضع موجود اراضی عین ۲



سرانه فرهنگی نیز رقم بسیار پائینی را در مقایسه با شاخص استاندارد و سرانه شهر اهواز نشان می دهد (به ترتیب ۱/۸ و ۰/۷۴). تنها مراکز فرهنگی این منطقه، کلوب بازی‌های رایانه‌ای است. حتی یک کتابخانه هم در سطح محله دیده نمی شود.

سرانه تجاری، تنها سرانه‌ای است که به شاخص استاندارد نزدیک بوده (۱/۹ در برابر ۲ تا ۳ متر مربع) و در حقیقت اساس اقتصاد این منطقه را خرید و فروش و تجارت تشکیل می دهد.

سرانه فضای سبز و ورزشی در حد صفر می باشد و این در حالی است که سرانه استاندارد ۱۱ تا ۱۳ متر مربع و در شهر اهواز ۱۷/۲۰ متر مربع است. در این منطقه زمین ورزشی استاندارد وجود ندارد و مردم از داشتن یک پارک تفریحی کوچک نیز بی بهره هستند.

اما وضعیت برای سرانه مسکونی بر عکس است و این رقم برای منطقه ۹۶/۵ متر مربع می باشد که بیش از شاخص

استاندارد ۵۰ متر مربع و سرانه اهواز (۳۰ متر مربع) است. در واقع بخش مسکونی، فضای حیاتی مورد نیاز برای سایر کاربری‌ها را ناعادلانه به خود اختصاص داده است. به عبارت دیگر، مردم این منطقه فقط در پی تأمین سرپناه بوده و سایر نیازهای زندگی یا برای آنها بی‌اهمیت است و یا از داشتن آنها محروم شده‌اند.

در کل آنچه از این مطالعه نتیجه می‌شود، آن است که حرکت به سوی نوعی عدالت اجتماعی مستلزم اتخاذ سیاستی در ارتباط با کاربری اراضی است که بتواند کمبود موجود در سرانه کاربری‌ها را به سمت توسعه و رساندن به شاخص استاندارد و یا حداقل به سرانه موجود در شهر اهواز برساند و در واقع بدون نیل به چنین وضعیتی، امکان تحریک توسعه در این منطقه وجود ندارد.

#### خلاصه و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که ملاحظه گردید، سکونتگاه‌های انسانی به صورت بسته و منفرد قابل تبیین نمی‌باشند. این سکونتگاه‌ها در کلیت خود نظامی از وابستگی‌ها را تشکیل می‌دهند و در واقع تصمیم‌گیری‌ها در سطوح فردی است و به عنوان فرایندهای فضایی در طول زمان در سطوح زیرین اثراتی به شکل فرم‌های فضایی بجای می‌گذارد. به علاوه یک فرم فضایی ویژه ممکن است حاصل فرایندهای فضایی در برهه‌های زمانی مختلف باشد؛ چنانچه در بحث نحوه پیدایش و گسترش فضایی جنبش حاشیه‌نشین عین ۲ ملاحظه گردید. به این ترتیب که سیاست ایجاد قطب‌های صنعتی در مرحله اول پیدایش آن مؤثر بوده و در مراحل ثانوی جنگ تحمیلی به عنوان فرایند ثانوی و فراملی این روند را تشدید نموده است.

از سوی دیگر، بررسی تاریخی توسعه کالبدی عین ۲، نقش وجود هسته‌های اولیه در توسعه ثانوی و کنونی منطقه را به خوبی نشان می‌دهد.

در نهایت، بررسی الگوی بهره‌برداری از زمین در این محله نشان دهنده عدم تعادل شدید میان سرانه‌های وضع موجود و شاخص‌های استاندارد می‌باشد، به طوری که در برخی کاربری‌ها نظیر فضای سبز، این سرانه‌ها به حداقل رسیده‌اند و لذا هرگونه برنامه‌ریزی جهت توسعه این منطقه بدون ارتقاء سرانه‌های مذکور میسر نمی‌باشد.

## منابع و مأخذ:

- ۱- پدیده مهاجرت و حاشیه‌نشینی در شهر، معاونت هماهنگی و برنامه‌ریزی سازمان برنامه و بودجه.
- ۲- هاروی، دیوید (۱۳۷۰) *عدالت اجتماعی و شهر*، ترجمه فرخ حسامیان و ...، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- ۳- زیاری، کرامت‌ا...، (۱۳۸۱)، برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری، انتشارات دانشگاه یزد.
- ۴- زیاری، کرامت‌ا...، (۱۳۷۸)، اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، انتشارات دانشگاه یزد.
- ۵- پتینه، ژان (۱۳۶۹)، مهاجرت روستائیان، ترجمه دکتر محمد مؤمنی کاشی، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- ۶- سعیدنیا، احمد، (۱۳۷۸)، کاربری زمین شهری، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، نشریه شماره ۹۹، تهران.
- ۷- شریفی، عبدالنبی، نقش صنعت در توسعه فضایی شهر اهواز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، (۱۳۸۰).
- ۸- شریفی، هاشم، بررسی تحولات بخش مسکن شهر اهواز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای شهری.
- ۹- شکوئی، حسین (۱۳۳۷)، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، انتشارات سمت.
- ۱۰- شکوئی، حسین (۱۳۷۵)، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا - انتشارات گیاشناسی.
- ۱۱- طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۰)، تحلیلی بر عوامل موثر در مهاجرت‌های روستا - شهری، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۲، پاییز.
- ۱۲- عزیزاده، محمد (۱۳۶۴)، مهاجرت و حاشیه‌نشینی در ایران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- ۱۳- قادری، طاهره (۱۳۷۷)، صنعتی شدن و توسعه، انتشارات دانشگاه علامه.
- ۱۴- قرخلو، مهدی (۱۳۸۲)، مهاجرت و اسکان عشایر، تحلیلی از مهاجرت قشقایهای ایران به اطراف شهرها، تهران، انتشارات عشایری و نقش بیان.
- ۱۵- موسوی، صمد و مهدی گنجیان (۱۳۷۹)، نگاهی به مهاجرت‌های روستایی در ایران، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، وزارت جهاد کشاورزی.
- ۱۶- مهدی‌زاده، جواد زمستان (۱۳۷۹)، برنامه‌ریزی کاربری زمین، تحول در دیدگاهها و روش‌ها، فصلنامه مدیریت شهری، زمستان.